معرفی یکی از مکاتب نقاشی ایرانی :مکتب سقاخانه
الهام نصرت نظامی

هنر نقاشی در ایران از جنگ جهانی دوم تا کنون شور و سر زندگی بی سابقه ای از خود نشان داده است . نقاشی طبیعت پرداز که کمال الملک نقاش باشی واپسین شاه قاجار ورزیده ترین نماینده آن بود همچنان در چهار دهه نخست این قرن فرمانروایی داشت و فقط کوشش های پراکنده ای برای معرفی نو آوری های جدید غربی صورت می گرفت . با وجود این نوگرایی پس از جنگ جهان دوم بالیدن آغاز کرد . تغییر وضع سیاسی و دگرگونی جو فرهنگی توأم با آن که از ورود نیروهای متفقین به ایران ناشی شد نمایانگر آغاز دوره ای جدید در نقاشی ایران بود . ایران ناگهان در معرض برخورد عقاید و ایدئولوژی های رنگارنگ قرار گرفت . روشنفکران با اشتیاق جویای راه های نو بودند و با شوق بسیار به استقبال مفاهیم جدید می رفتند . در نمایشگاه های دهه ۱۳۲۰ کاملاً آشکار بود که نقاشان دست به تقلید زده اند . استادان پست امپرسیونیست از بیشترین پیرو برخوردار بودند و نقاشی پیکر نما متداول ترین روش بود . با این همه در خلال سال های ۱۳۳۰ شوراکتشاف کاهش یافت و هنرمندان ایرانی سرانجام راهشان را جدا کردند . بروز خصایص فردی و استعداد های شخصی آغاز شد و سبک های فردی کم کم سر بر آوردند در اواسط دهه ۱۳۳۰ امکان شناسایی گرایش ها و تشخیص خطوط اصلی تحولات آینده به وجود آمد .در سال های ۱۳۴۰ سخن به میان آوردن از مکاتب نقاشی نوین ایران پذیرفتنی بود . متفاوت از سایر هنرمندان این دوره هنرمندانی هستند که چیزی از گذشته ایران را در آثارشان منعکس می کنند و مهمترین مکتب نقاشی ایران از حیث وسعت و شهرت را تشکیل می دهند این مکتب اگرچه در اسلوب و سبک از روش های جهانی زمان ما ملهم می شوند موضوع ها و نقشمایه ها سنتی و مرسوم را به کا رمی گیرند . ممکن است تکرار عناصر معماری , نقاشی , یا کاشیکاری سنتی باشد یا به کارگیری شیوه های خوشنویسی در بیان بصری جدید و یا تجسم نمونه ای که در زندگی امروزی ایرانی از دست رفته است . رقاصه ای از عصر قاجار , نوازنده ای از زمان قدیم , زنی با روبنده , یا آرایشی از مواد نذری و نمادهای مذهبی در یک متن مذهبی و همه این ها در قالبی غیر متعصبانه غیر سیاسی و غیر اجتماعی . مضمون هایی که غالباً به کار می روند دوران باستان , قرون وسطی و افتخارات گذشته ایران را در ذهن بیدار نمی کنند . بلکه یاد آور یک شیوه زندگی نه چندان دور هستند . زندگی ای در دسترس اما باز نیافتنی . بر چسب مناسب برای این مکتب شاید همان نام تا اندازه ای مطالبه آمیز باشد که در سال ۱۳۴۱ کریم امامی برای نخستین بار عنوان سقاخانه برای آن بکار برد آبخوری های نذری تعبیه شده برای استفاده عموم بناهای خیریه محقری که هنوز هم آنها را می توان در محله های قدیمی شهرها و شهرک های ایران مشاهده کرد . تاقچه کوچک و ساده مجهز به مخزن آب یک طاس مسی یا برنجی و وسایل دیگر . شمایل امامان , سینی های فلزی با چند شمعدان , قفل های کوچک یا دخیل های بسته شده به زنجیری متصل به داخل تاقچه یا پنجره مشبک نشانه هایی هستند از نذر و نیاز یا طلب احسان از قدیسی که تمثال آن از سقاخانه مواظبت می کند . پنجه بریده شده از ورق برنج یا قلع یک تسبیح , یک آینه پرده های سیاه یا سبز که ادعیه یا آ یه های قرآن کریم بر روی آنها سوزن دوزی شده نقاشی ها یا باسمه هایی از وقایع کربلا یا رویداد های مذهبی دیگر. صادق تبریزی از هنرمندانی است که اکنون نزدیکترین پیوند را با این مکتب دارد بدان گونه که تبریزی نشان می دهد متمرکز شده است بر اشیایی که پیش از یورش های فن آوری غرب کاربرد داشتند و در پیوند با شیوه زندگی سنتی بودند . و هنوز هم در برخی از نقاط کشور چنین اند . خر مهره ها , قفل و کلید ها ی کهنه , صفحات کنده کار ی شده از نسخه های خطی , ورق های مشق خط مهرهای قدیمی , کاسه های فلزی با حاشیه محکوک , سرهای قلیان یا نارگیله شیشه های رنگی یا قطعه سنگ های نیمه قیمتی , و همه لوازمی که در سقاخانه می توان یافت . نکته مه در شیوه کار او این است که می توان این عناصر مختلف را در کلی کمابیش هماهنگ و یک پارچه سامان دهد. شگردی که غالباً به کار می برد تکرار موزون نقشمایه هاست . تبریزی غالباً جزئیاتی از اشیا سنتی را بارز می نمایاند و بدین سان چشم بیننده سراسر کارش را در می نوردد تا جزئیات مأنوس حاوی قصه های گذشته را کشف کند . تبریزی به آن گرایش ناپالوده در ادبیات روایی فارسی دست می یابد که به خواننده اجازه می دهد که از جزئیات توصیف بدون توجه به جایگاه آنها در طرح کلی داستان لذت ببرد . از سوی دیگر تبریزی گاه تمامی این جزئیات را به صور انتزاعی بر می گرداند و کنجکاوی بیننده را در خصوص آ نها بر می انگیزد .(۱)

کارنامه زندگی

نقد نقاشی های صادق تبریزی وآثار وی در سبک سقاخانه

صادق تبریزی متولد ۱۳۱۷ از معدود هنرمندان معاصر ایران است که هم در تکوین هنر مدرن و هم در تجزیه ی آن نقش ویژه ای داشته و دارد .از او می توان به عنوان یک هنرمند کلی گرا (کلکتیویست) یاد کرد که نگاهی چند وجهی به واقعیت داشته ودر بعد بخشیدن به هنر خود زوایای تازه و پراکنده ای به هنر معاصر ایران بخشیده است . آن قدر که حالا نمی توان از گرایش فراگیری گذشت که برای بومی کردن هنر مدرن و فرامدرن غرب به شبه مکتب سقاخانه و به ویژه آثار یکی از چهره های اصلی آن _ یعنی _ تبریزی وجود دارد .او یک دوره ی سراسر پیشنهادی را حدود چند دهه قبل از سر گذرانده که صرف نظراز گستره ی اشتراکی آن با دیگر بنیانگذاران سقاخانه از آن فراتر رفته و به آزمایش های متنوع دیگری رسیده است . به همین خاطر می توان این هنرمند را در تجزیه ی هنر میانگرای معاصر صاحب سهمی اساسی و بنیادی دانست . صادق تبریزی پس از پایان دوره ی ۳ ساله هنرستان در رشته مینیاتور و استخدام در کارگاه سرامیک اداره ی هنرهای زیبا (۱۳۳۸) نقاشی روی سفال را انتخاب می کند که هم تجربه ای تازه است برای او و هم با لعاب و کوره و .....سرو کار دارد . در همین سال رویداد سرنوشت سازی در کوشش های هنری تبریزی اتفاق می افتد . کاشی کاری به نام سنایی هنگام ساخت کتیبه های مسجد در این کارگاه او را متوجه زیبایی خط نسخ میکند که با حروف و کلمات یک ترکیب بندی آزاد بسازد . حاصل این وسوسه اجرای یک پانل سرامیک با ابعاد ۷۰در ۷۰ سانتیمتر می شود که بارنگ لاجورد و سفید رنگهای مخصوص کتیبه های مساجد در ترکیبی تازه قرار میگیرد .حروفی که در کنار هم مفهومی را بیان نمیکند و عبارتی را تشکیل نمی دهد . شیرینی این تجربه هنرمند را وا می دارد تا از آن تکنیک روی دیوار کوزه ها و داخل کاسه ها و بشقاب ها با رنگهای اکر و قهوه ای در زمینه کرم و لاجورد و فیروزه ای در زمینه سفید آثاری را خلق کند .اهمیت این رویداد به ظاهر کوچک و ادامه ی منطقی آن بعدها زمینه ساز دعواهای مختلفی می شود که به پیدایی و پیوند خط در نقاشی معاصر ایران اشاره دارد . در واقع می توان گفت که در جریان موسوم به نقاشی خط که سپس در کار سقاخانه ای ها و سپس تر در کار خطاطان (این بار از منظری دیگر و از سمت و سوی خط به نقاشی) اوج و نضج می گیرد.

با گشایش دانشکده ی هنر های تزئینی که برای نخستین بار و برای دوره ی تکمیلی فارغ التحصیلان هنرستان های تهران و تبریز و اصفهان تأسیس می شود تبریزی به جمع هنرجویان آن می پیوندد و با منصور قندریز و فرامرز پیلارام و مسعود عربشاهی و حسین زنده رودی هم دوره می شود . فضای تازه و نوظهور دانشکده و وجود کتابخانه ای مجهز فرصت های مغتنمی را برای او و دیگر دانشجویان پیش می آورد تا به تحقیق و تدقیق در هنر گذشتگان و معاصران ایران و جهان بپردازد و از تکرار هنر آن ها در امان بمانند.همین جاست که این جمع کوچک به فکر نوعی میان گرایی می افتند که در عین رویکرد به هنر مدرن غرب از میان سنتهای تصویری ایران می گذرد . اساتید دانشکده ی تزئینی را شاگرد اول های بوزآر تشکیل میدهند و دو تن از هنرمندان برجسته ی ایرانی هوشنگ کاظمی و بیژن صفاری که معماری داخلی و نقاشی تزئینی تدریس می کنند . بعدها حسین کاظمی نقاش ایرانی تحصیل کرده ی پاریس و اسد بهرورزان هنر شناس و پژوهشگر تحصیل کرده ی آمریکا و چند تن دیگر به جمع اساتید این دانشکده می پیوندند .سال ۱۳۴۰ تبریزی و عربشاهی با سرامیک های خود نمایشگاه مشترکی در کلوپ فرانسه برگزار می کنند . هم زمان با آنها حسین کاظمی که از اروپا بازگشته و هنرستان تبریز را اداره می کند نمایشگاهی از سرامیکهای خود در مکتب دادا را در تالار فرهنگ به نمایش می گذارد. تبریزی در همین سال دایره ی جست و جو گریهایش را توسعه می دهد و با استفاده از موتیف های ایرانی و با توجه به تکنیک ها و امکانات مختلف هنرهای قدیم ایران مانند کاشی کاری حکاکی تصویرسازی برای کتاب گچ بری و تکه چسبانی و نقاشی روی نوشته های قدیمی و نقاشی پشت شیشه استفاده از آینه در نقوش و به کار بردن قفل و زنجیر و اشیای مختلف دست به آفرینش تابلو های متعدد ی درقالبی تازه و ترکیبی نوین می زند . این نمونه ها پیشنهادهایی است که این هنرمند به هنر معاصر ایران می دهد . در همین سالهاست که کلیه مدارک زندگی خود مانند کارنامه , شناسنامه , کارت های تحصیلی , گواهینامه , برگ پایان خدمت , دفترچه های پس انداز , کارت کلوپ های ورزشی , کارت شرکت در کنکور و ..... را روی یک پانل با ترکیب بندی ویژه ای قرار می دهد و با

مهر و لاک , نوشته های معمول در اسناد و مهرهای باطل شد و ....تزئین می کند . این اثر که کارنامه زندگی نام دارد همراه با نقاشی های ملهم از طلسم ها و صفحات مصور شده ی کتاب ها در کنار نقش برجسته های مسعود عربشاهی در دانشکده هنر های زیبای تهران سال ۱۳۴۳ به نمایش در می آید .از این اثر تبریزی (کارنامه زندگی) می توان به عنوان پیشنهادی هر چند نا آگاهانه برای هنر مفهومی (کانسپچوال آرت) هم یاد کرد .رویکردی که هیچ گاه هنرمند با این عنوان بدان نپرداخته است .سال ۱۳۴۳ سال پایان تحصیل تبریزی به حساب می آید که تصمیم به ادامه ی آن می گیرد و با قندریز و پیل آرام و عربشاهی وارد مقطع فوق لیسانس می شود . در همین سال هنرجویان طراز اول دانشکده ی هنرهای زیبا که متشکل از کسانی چون مرتضی ممیز , رویین پاکباز , فرشید مثقالی , قباد شیوا و ..... هستند و قطب مقابل و مخالف دانشجویان دانشکده ی هنرهای تزئینی با جمع چهار نفره ی تبریزی و پیل آرام و عربشاهی و قندریز اقدام به تأسیس و تشکیل یک گالری هنری می کنند .کوششی که پیش تر توسط دیگران صورت گرفته بود و هرگز به نتیجه نرسیده بود . جمع سیزده نفره ی تالار ایران (قندریز) اما موفق می شود نخستین گروه نقاشان آوانگارد آن روزگار را دور هم جمع کند و نخستین نمایشگاه پر مخاطب را برگزار نماید . تشکیل و تحرک تالار ایران تا آنجا پیش می رود که هنرمندانی چون سهراب سپهری , بیژن صفاری , مارکو گریگوریان , پرویز تناولی وشیبانی را برگزاری یک نمایشگاه جمعی در بانک صادرات خیابان جمهوری ترغیب می کند . در نمایشگاه نخست تالار ایران آثار تبریزی بیشترین اقبال را نسبت به سایر اعضا می آورد و مورد استقبال مجموعه داران و تماشاگران قرار می گیرد . او معتقد است اگر ممیز نبود تشکیل تالار ایران صورت نمی گرفت و اگر قند ریز نبود جمع چهار نفره ی آنها با دانشجویان دانشگاه تهران پیوند نمی خورد .به علت تضادها و عدم همبستگی این جمع پس از اولین نمایشگاه در تالار ایران از هم پاشیده شد ولی قندریز سعی داشت نهالی را که کاشته بود بارور ببیند لذا با سماجت چند ماهی آن جا دوام آورد که با مرگ او این رشته نیز به کلی قطع گردید .یکی دیگر از تجربه های تبریزی مرور هنرهای قدیم ایران است و در سال ۱۳۴۲ رقم می خورد در این آزمایشگری و از رهگذر کنده کاری روی مس (قلم زنی)و نصب نگین و سکه های قدیمی بر جای جای از پیش تعیین شده ی آن حکاکی ها دوره ی چهارم آثار و آفرینه های او شکل می گیرد او در دوره ی پنجم از آثارش نقش برجسته هایی با گچ روی پانل می سازد که گاه با چسباندن کارتن های بریده روی بوم ایجاد می شود و همان موتیف ها و فرم های ابداعی اش را به صورت برجسته نشان می دهد.دوره ی ششمی اگر بتوان در کارهای این نقاش برشمرد شامل آثاری می شود که روی ورقه های قدیمی و کهنه ی کتاب و خط نوشته های آن ها می آ فریند و گاه هم گون با زیارتنامه به نظر می رسد و گاه زمینه ساز کلاژ ها می گردد و بیش تر در پس زمینه ی نقاشی ها نمود می یابد . در گذر از این دوره تبریزی آثار انگشت شماری پشت شیشه و با استفاده از آینه به جای رنگ دیگر و در زمینه سیاه خلق می کند.در پایان دوران تحصیل نقاش با استفاده از نقش مایه های مینیاتور و تلفیق آن با فرم ها و موتیف ها ی ایرانی و مذ هبی به تهیه ی تابلوهای بزرگ اندازه دست می زند که با اقبال عامه مواجه می شود نمونه هایی از این آ ثار در سال ۱۳۴۸ و به مناسبت جشن های ۲۵۰۰ ساله در سالن نور هتل هیلتون و در دیوار راهروی آن در ابعاد عظیم اجرا می شود . از این آثار می توان به عنوان هشتمین دوره ی کار تبریزی یاد کرد.

اغلب آثار این دوره یا از سوارانی تشکیل می شود که نشسته بر اسبهای آرام و رام رو در روی هم قرار دارند و یا دلدادگانی که در نقش های قدیمی ایرانی یافت می شود و این جا با ترکیبی تازه و متنوع ساخته شده اند .برای پر کردن فضای منفی این تابلوها که گوشه چشمی مستقیم به مینیاتور ایرانی دارند نقاش به جای پرداختن به تذهیب و تشعیر و تزئینات و اشباع کردن آثار با آن ها به قطعه خط های نوشته مانند و تا حدودی به شیوه ی نستعلیق شکسته رو می آورد .و این گونه آثارش را پر و تکمیل میکند . این جاست که تبریزی به نکته ی مهمی پی می برد و آن استفاده از همان خط نوشته ها به شکلی مجرد در یک ترکیب بندی آزاد است . او با دیدن خط نوشته های معلق در فضای تابلوهای پیشین که بی دلیل و بی پیام در گوشه و کنار جا گرفته اند و نقش سیاهی لشگر را بازی می کنند به ایده ی استفاده تجریدی از آنها در کادر های مجزا می رسد .این دوره شاید مهم ترین و موفق ترین دوره از آثار این نقاش باشد .تبریزی با پیش گرفتن این ایده به شیوه ای سهل و ممتنع در نقاشی می رسد که اگر چه جان مایه ای هم از خط آبستره و یکسر اکسپرسیونیستی نمود می یابد .و اما اگر بخواهیم از یک دوره مشخص دیگر در آثار تبریزی یاد کنیم باید به روایت طنزی بپردازیم که این هنرمند با باریک بینی از درون یکی از تلخترین وقایع بشری بیرون کشیده است . به فکر اجرای آنها می افتد و برای آن

که از فضای نقاشی قهوه خانه دور نشود و به نقاشی تزئینی و به ویژه مینیاتور نزدیک نشود تصمیم میگیرد آنها را توسط یکی از نقاشان قهوه خانه ای به اجرا در بیاورد . بنابراین از دوست دیرینه اش عباس بلوکی فر می خواهد که در اجرای این ایده با او همکاری کند .این مجموعه که از ۳۶ اثر تشکیل می شود سال ۱۳۵۱ در گالری سیحون به نمایش در می آید .تبریزی در طول این سالها تجارب دیگری نیز داشته و به آزمایشگری های دیگری نیز پرداخته است که از آنها می توان به تهیه طرح های مستند و نقوش قراردادی سر در اماکن و گاری های اسبی و.....اشاره کرد .او همچنان امیدوار است که بتواند با موضوع نقاشی های خود ش تندیس هایی بسازد و یک بخش عمده از فعالیت های آتی او ساخت جواهر با موتیف های ژئو متریک خواهد بود . ده دوره کار تبریزی در واقع صورت بندی گذرای فعالیت های فراگیر او برای عینیت بخشیدن به ذهنیتی میان هنر ایرانی و غربی است که در یک خطاب کلی و با توجه به یک اجماع نظری عنوان قراردادی سنت گرایی نو بدان داده شده است . تبریزی اگر چه در این مدار و مسیر تنها نبوده است اما یکی از اصلی ترین چهره ها به حساب می آید.(۲)

۱-اتینگهاوزن ،ریچارد و احسان یار شاطر.اوج های درخشان هنر ایران،ترجمه هرمز عبد اللهی و رویین پاکباز

۲- شمخانی،محمد. ***نوشت و نقدهایی درباره پیشگامان هنر معاصر ایران***